

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشاره به سخنرانی حضرت استاد در عتبات

بعضی از آقایان فرمودند بحثی که در سفر کربلا داشتیم را اشاره‌ای کنیم و فکر می‌کنم نکات خیلی علمی و فقهی هم در آن هست. عنوان موضوعی که برای سخنرانی‌ای که بحمدالله به عربی ایراد شد. ما دو سه سال قبل هم به آنجا رفته بودیم باز به عربی القاء سخن شد و امسال هم همینطور و این سخنرانی از شبکه کربلا به صورت مستقیم پخش می‌شد. عنوانش «النهضة الحسينية و الذب عن بيضة الاسلام» است.

متولیان حرم امام حسین و حضرت عباس (علیهما السلام) در سال به مناسبت ولادت امام حسین، امام سجاد و حضرت عباس (علیهم السلام) مهرجانی می‌گیرند و عنوانش «مهرجان ربيع الشهادة» است. از نقاط مختلف دنیا هم دعوت می‌کنند برای حضور در آنجا، مباحث علمی دارد، شعر دارد، بحث‌ها و نشست‌های مختلفی دارد، آن صحبتی که ما داشتیم عنوانش این بود. امسال اینها نسبت به این قضیه‌ی داعش و مقابله‌ی مردم عراق و حشد الشعبی با اینها که به نحو جهاد برایشان لازم شد، مدّ نظرشان این بود که برایشان دنبال بشود، این بحث را دنبال کردیم که عرض می‌کنم.

فقدان دو شرط از شرائط امر به معروف در قیام امام حسین علیه السلام و توجیه آن

واقع مطلب این است که در نهضت امام حسین (علیه السلام) باید از دید اجتهادی کار بشود که به نظر من این جهتش هنوز خیلی کم‌رنگ است. يك سؤال اینجا مطرح است و آن اینست که آیا نهضت امام حسین علیه السلام بر اساس امر به معروف و نهی از منکر بود که خود حضرت هم فرمود «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي»^[1] بنا بر اینکه سند این تعبیر درست باشد چون این بیشتر در کتب اهل سنت نقل شده. اگر این است ما در فقه‌مان در مباحث امر به معروف و نهی از منکر دو شرط داریم که این دو شرط در قضیه‌ی نهضت کربلا نبوده.

شرط اول این است که امر و ناهی در صورتی امر و نهی برایشان واجب است که علم به تأثیر یا لااقل احتمال عقلایی تأثیر را بدهند. اما در جایی که علم به تأثیر وجود ندارد که هیچ، علم به عدم تأثیر است. اینجا امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. در قضیه‌ی امام حسین (علیه السلام) به حسب ظاهر، چون این علم به تأثیر که می‌گویند تأثیر آینده را نمی‌گویند امر در صورتی واجب است امر کند که بالفعل یا قریب الی الفعلیة اثر بگذارد. امام می‌دانست که به حسب ظاهر هیچ اثری ندارد. پس شرط اول منتفی است.

شرط دوم این است که امر باید از این امر خطر جانی یا مالی یا عرضی متوجه خودش یا من یتعلق به نباشد. در صورتی امر به

معروف واجب است که این آدم بداند خطری ندارد. می‌خواهد کسی را به معروف امر کند اما ممکن است جانش در خطر باشد واجب نیست. نه تنها واجب نیست بلکه در روایاتش وارد شده که «لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهَا» و تعابیر این چنینی دارد که در این جزوه به آن اشاره شده است^[2]. این شرط هم مسلم منتفی بوده. حضرت می‌دانست خودش، اولادش و اصحابش کشته می‌شود، بانوان به اسارت می‌روند، حتی می‌دانست که طفل شش ماهه‌اش کشته می‌شود، پس این هم منتفی است.

پس اینکه حضرت علی فرض اینکه فرموده باشند «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» باید توجیه بشود. این را به عنوان یکی از دواعی قرار بدهیم بگوئیم یکی از دواعی این بوده. اما داعی و آن علت اصلی چیز دیگری است که باید آن را پیدا کنیم. یا ببریم تحت نظریه‌ای که ما داریم عناوین تحتانی و عناوین فوقانی. یعنی این جزء عناوین تحتانی قضیه است يك عنوان فوقانی دارد.

به نظر ما عنوان اصلی و فوقانی که تمام حرکت‌های امام حسین (علیه السلام) را می‌شود بر همان اساس تحلیل کرد، عنوان الذب (یعنی دفاع) عن بیضة الاسلام است یعنی جایی که کسی ببیند اساس اسلام در خطر است. اینجا بر او واجب است که از اسلام دفاع کند ولو یقین دارد کشته می‌شود یقین دارد زن و بچه‌اش مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند مورد اسارت قرار می‌گیرند این حقیقت نهضت امام حسین (علیه السلام) است.

آنجایی که فرمود «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ»^[3] یعنی باید فاتحه اسلام را خواند! «إِذْ قَدْ بُلِيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ»^[4] این عنوان حقیقت این نهضت را تشکیل می‌دهد. آن وقت تحلیل اینکه امام حسین (علیه السلام) آمد چرا زن و بچه را همراهش آورد؟ چرا اینها را در گرفتاری قرار داد؟ اینها همه قابل جواب است با این عنوان و با این بیان.

یعنی وقتی جای دفاع از بیضة الاسلام یعنی اصل اسلام. گاهی اوقات مجتمع المسلمین هم در فتاوا، بعضی از بزرگان به آن اضافه کردند اگر يك بلد از بلاد مسلمین به عنوان المجتمع المسلمین در خطر است. کما اینکه در این قضیه‌ی داعش هم اصل اسلام در خطر بود و هم اینها دنبال این بودند که اعتاب مقدسه را از بین ببرند. در این تتبعی که کردم دیدم مرحوم محقق کرکی در مخطوطاتش رساله‌ای دارد به نام «رسالة فی الذب عن بیضة النجف». نجف به عنوان عاصمه شیعه در خطر بوده در آن زمان، مرحوم محقق کرکی يك چنین رساله‌ای را نوشته.

انقسام جهاد (ابتدائی، دفاعی، نبی)

ما باید بگوئیم سه نوع جهاد داریم؛

الف - جهاد دفاعی: دشمن حمله کرده و مسلمان‌ها دفاع می‌کنند و دشمن را از بین می‌برند.

ب - جهاد ابتدایی: در این جهاد دشمن حمله نمی‌کند بلکه مسلمان‌ها از طریق امام مسلمین کفار را به اسلام دعوت می‌کنند اگر بعد از اینکه منطق اسلام را شنیدند و لجاجت کردند طبق آیات جهاد ابتدایی برای نجات مستضعفین از رجال و نساء و ولدان باید اقدام کرد.

آن مردها، زنها و بچه‌هایی که در اختیار اینهاست چه گناهی کردند و اگر به داد اینها نرسیم در حالت کفر و شرك باقی می‌مانند. در جهاد ابتدایی اول دعوت است و بعد از دعوت جنگ است. ما این بحث آیات جهاد ابتدایی را مفصل مطرح کردیم و این روزها هم این کتاب چاپ می‌شود.

یکی از دردها این است که هنوز در حوزه علمیه در جهاد ابتدایی که یکی از مشخصه‌های این دین آخر الزمان و دین پیامبر خاتم است خوب کار نکردیم. جهاد ابتدایی در سیزده سالی که پیامبر در مکه بود تشریع نشد، اینکه می‌گویند اسلام از اول آمد گفت جنگ و ... ناشی از عدم اطلاعشان است. در آن سیزده سال فقط مسلمان‌ها مورد اذیت و آزار، حتی کشته شدن قرار می‌گرفتند هر چه پیامبر عرض می‌کردند اجازه بدهید مقابلہ کنید فرمود نه. دو سه ماه آخر مکه یا به قول بعضی محققین اول هجرت به مدینه اولین آیه‌ای که در جهاد نازل شد این بود «أُذِّنَ لِلَّذِينَ يقاتُلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا»^[5] و وجوب هم نیامد بلکه اذن بود. ما در این کتاب این مسئله را مطرح کردیم که همان‌طور که در باب شرب خمر به صورت تدریجی اسلام مسئله‌ی تحریم شرب خمر را مطرح کرد که در چهار مرحله بوده، در مسئله جهاد ابتدایی هم به صورت تدریجی در چند مرحله مسئله مطرح شد.

این را در سخنرانی آنجا هم گفتم و خیلی هم تعجب کردند؛ در زمان مرحوم والد ما (رضوان الله تعالی علیه و حشره الله مع الحسين عليه السلام) آمدند به ایشان گفتند در کویت، آمریکایی‌ها قرآنی چاپ کردند که آیات جهاد را از آن حذف کردند! بحث معاد و ... سر جای خودش که آیات معاد سه چهارم آیات قرآن است از معاد که بگذریم توحید و معاد و اینها، بحث جهاد اصلاً آیاتش با آیات نماز، زکات و ... قابل مقایسه نیست و اینها آمدند آیات جهاد را حذف کردند.

ما آن بحث را از کتاب آقای صالحی نجف‌آبادی شروع کردم و دیدم در اوایل کتاب نوشته شده فقها و مفسران از زمان شیخ طوسی تا زمان ما همه‌شان اشتباه کردند. ایشان می‌گویند تقسیم جهاد دفاعی و ابتدایی منکریم چیزی در اسلام به نام جهاد ابتدایی نداریم و هر چه هست جهاد دفاعی است. این تقسیم در کلمات فقها و بزرگان، از قدیم بوده و هست هم در فقه ما يك احکام خاص دارد، هم در تفسیر و تفاسیر ما وجود دارد، هم اهل سنت قبول دارند و هم شیعه قبول دارد.

حالا اینجا هم من یادی کنم از مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی (قدس سره) که ایشان خیلی روی قرآن کار کرده بود. در يك جلسه به ایشان گفتم شما جهاد ابتدایی را قبول دارید یا نه؟ ایشان تأمل نزدیک به رد کرد. می‌دانستم اینها در آن زمانی که در حوزه درس می‌خواندند يك مقداری تحت تأثیر آقای صالحی نجف‌آبادی بودند. ایشان در بحث جهاد، در قضیه امام حسین، در اینکه می‌گوید امیرالمؤمنین در محراب کشته نشد افکار مختلفی دارد. داستانی هم با مرحوم والد ما دارد که جایش نیست عرض کنم.

ایشان گفت نمی‌شود استفاده کرد و مشکل است چنین چیزی را استفاده کرد. بحث جهاد را آن موقع سه چهارم را در يك جزوه‌ای جمع‌آوری کرده بودم که مرور کنم گفتم آقا شما این بحث را ببینید و يك وقت دیگر که شما را دیدم نظراتان را جویا می‌شوم. بعد از یکی دو سال باز ایشان را دیدم گفتم شما جزوه را دیدید گفت بله با دقت خواندم، گفتم نظراتان همان است؟ گفت نه حق با شماست و قبول کرد، آدم منصفی بود.

یکی از چیزهایی که دشمن امروز علیه اسلام مطرح می‌کند همین جهاد ابتدایی است در حالی که نمی‌دانند شرط اول جهاد ابتدایی دعوت است یعنی امام مسلمین باید دعوت کند از کفار برای اسلام، بگوید این دین ماست بیائید مسلمان شوید. در قرآن آیه «وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ»^[6] یعنی می‌گویند موقع جنگ است، یکی از مشرکین به مسلمین پناه می‌برد «حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» می‌گویند من می‌خواهم ببینم شما چه می‌گوئید؟ «فَأَجِرْهُ» بعد می‌فرماید وقتی این برای تحقیق پیش شما آمد يك تا ده روز مهلت بدهید و این اطلاق دارد.

بعد اگر گفت من قانع نشدم حق ندارید او را بکشید، این را باید به جبهه خودش برگردانید و بعد که به آنجا رفت شروع به جنگیدن کنید. از این آیه مسئله لزوم دعوت به خوبی استفاده می‌شود که باید دعوت شود، حالا اگر کفار گفتند ما یکی دو سال باید تحقیق کنیم، امام مسلمین باید به ایشان اجازه بدهد.

در جهاد ابتدایی را تقریباً قریب به اتفاق می‌گویند شرطش حضور معصوم است، مثلاً مرحوم آقای خوئی با اینکه ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارد ولی ایشان می‌گویند در زمان غیبت هم می‌شود جهاد ابتدایی کرد. ما يك روايت معتبر پیدا کردیم که در زمان غیبت ترخیص در ترك جهاد ابتدایی داده شده، این را آوردیم در این کتاب.

ج- جهاد ذبی: یعنی مسلمان‌ها جایی که دیدند اسلام در خطر هست باید دفاع کنند. حالا ببینید ما بین جهاد ابتدایی و جهاد ذبی هفت فرق پیدا کردیم که در این رساله نوشتیم. مثلاً جهاد ابتدایی واجب کفایی است اما جهاد ذبی واجب عینی است. جهاد ابتدایی متوقف بر دعوت است اما جهاد ذبی متوقف بر دعوت نیست. در جهاد ابتدایی باید معصوم (علیه السلام) نظر بدهد و جهاد ذبی اینطور نیست.

جهاد ابتدایی واجبٌ بالنسبة إلى من يرى المسلمين من الكفار یعنی وقاتل الذين يلونكم، در جهاد ابتدایی ما اول باید بگوئیم همسایه‌ی کافرمان کیست؟ حق نداریم برویم يك کافری که آن طرف دنیا است کی هست، این واجب علی کل من يدرك عدواً للاسلام فی أية نقطة من نقاط العالم. هدف اصلی در جهاد ابتدایی این است که ما کفار را وارد اسلام کنیم اما هدف اصلی در جهاد ذبی دفاع از اصل اسلام است. در جهاد ابتدایی اذن والدین را خیلی‌ها معتبر می‌دانند و در این جهاد ذبی معتبر نمی‌دانند.

سؤالی در زمان ما مطرح است که از اول انقلاب این سؤال مطرح بود که ما را چه به اسرائیل؟ اسرائیل منطقه‌ای از فلسطین را اشغال کرده و خود فلسطینی‌ها مقابلہ کنند و بیرونش کنند. چرا امام (رضوان الله تعالی علیه) این همه روی مسئله اسرائیل تکیه می‌کردند و به عنوان یکی از آرمان‌ها و اهداف انقلاب مطرح می‌کردند؟ الآن هم رهبری معظم انقلاب همان آرمان را دنبال می‌کند، چرا؟ این توجیه فقهی‌اش فقط روی همین اساس جهاد ذبی است. یعنی اسرائیل خطرٌ علی الاسلام و المسلمین اسرائیل به وجود آمده تا اسلام را از بین ببرد هیچ هدفی ندارد. اینها دنبال اینکه يك جایی را بگیرند بیت المقدس را بگیرند، این همه جاهای درجه يك در اروپا و نقاط مختلف دنیا در اختیارشان هست اما آمدند روی بیت المقدس، روی قبله اول مسلمین، حالا ادعای مالکیت هم کردند. اول هم شعارشان این بود که ما از نیل تا فرات را می‌گیریم! یعنی همه‌ی کشورهای اسلام باید تحت سیطره‌ی ما در بیاید، اسرائیل به قول امام يك غده‌ی سرطانی علیه اسلام است. پس بر ما واجب است اگر احساس کردیم چنین خطری هست با آن مقابلہ کنیم. منتهی این هم باید گفت در جهاد ذبی اگر انسان دید يك عده‌ای دارند هدف اصلی را انجام می‌دهند بگوئیم فعلاً بقیه انجام ندهند و الا این نکته خیلی مهم است. در جهاد دفاعی شما نشستید در شهرتان و دشمن آمد به آنجا حمله کرد باید دفاع کنید. در جهاد ابتدایی باید سراغ کفاری که نزدیک به شما هستند بروید ولی در جهاد ذبی اگر مسلمانی در این نقطه‌ی دنیا احساس خطر برای اسلام کرد، البته این نمی‌گوید همینطوری رجماً بالغیب بگوید من احساس خطر می‌کنم. من گفتم این يك موضوعی است که از انکشاف لواحد انکشاف للجمع. این آثار جهاد ذبی است، این فوارق بین جهاد ذبی و ابتدایی است.

تحلیل قیام امام حسین علیه السلام طبق جهاد ذبی

ما نهضت امام حسین (علیه السلام) را روی این تحلیل می‌کنیم و می‌گوئیم آن عنوان اصلی است. ارید أن آمر بالمعروف داعی است، پاسخ دادن به نامه‌های اهل کوفه داعی است، وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي داعی است اینها از دواعی قضیه است اما علت حقیقه این است که با آمدن یزید اسلام در خطر است و علی الاسلام السلام إِذْ قَدْ بُلِيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ این آن جوهره‌ی اصلی نهضت امام حسین (علیه السلام) است.

شما اینجا باید بفهمائید چه دلیلی دارید بر این جهاد ذبی؟ البته این اصطلاح را ما داریم به کار می‌بریم و من جایی هم ندیدم؛ ما در این رساله پنج دلیل از آیات قرآن، روایات، اجماع، عقل آوردیم ذکر کردیم که ان شاء الله بعداً این چاپ می‌شود.

این خاطره را هم عرض کنم؛ يك شیخ لبنانی بود که 15 سال در زندان اسرائیل بود، بعد آزاد شد در آنجا خیلی استقبالش کردند

و این را به ایران آوردند پیش بزرگان، آمد خدمت مرحوم والد ما. به مرحوم والد ما عرض کرد هر وقت من را برای بازجویی می‌بردند فقط يك سوال داشتند می‌گفتند مَنْ المهدی؟ اَيْنَ المهدی؟ این مهدی که شما شیعه‌ها دنبالش هستید کیست؟ خصوصیاتش چیست؟ کجاست؟ امروز نه اینکه بگوئیم يك مرکز معمولی بلکه قوی‌ترین مرکز شیعه‌شناسی در اسرائیل وجود دارد. این دهکده‌ی جهانی طرح چه کسانی است؟ این طرح خود اسرائیلی‌هاست که کل دنیا را يك دهکده واحد جهانی کنند و خودشان هم بر آن سیطره پیدا کنند، این را در مقابل آن حکومت جهانی که ما ادعا می‌کنیم مطرح کردند بالأخره اینها اعتقادی به این مسائل ندارند یعنی اینها می‌گویند این يك استراتژی است که شیعه دارد ما بیائیم در مقابل يك چیز قوی‌تر درست کنیم.

تردید نیست که اسرائیل برای هدم اسلام آمده. روی این موضوع اگر انسان مسلمانی در يك نقطه‌ای مثل ایران گفت من از آمدن اسرائیل برای اسلام احساس خطر می‌می‌کنم! عرض کردم این نیست که بگوئیم این آدم فقط احساس خطر کرده، اگر این احساس خطر کند همه احساس خطر دارند اینجا جهاد ذبی واجب است. نمی‌شود گفت که این به ما کار ندارد. در همین حوزه ما بعضی از طلبه‌های بی فضل و بی سواد یکی از حرفهایشان همین است بعضی‌ها که يك مقداری انگیزه ضد انقلابی دارند. می‌گویند اسرائیل آن طرف خاورمیانه است، خود فلسطینی‌ها مبارزه کنند به ما چه ارتباطی دارد؟ این روی منشای فقهی و دینی ما به هیچ قابل قبول نیست.

این بحث را در زمان خودمان بر داعش منطبق کردیم که داعش هم همین هدف را دارد. در آنجا گفتیم حشد الشعبی که به حمایت ایران و فتوای مرجعیت محترم عراق، اینها به میدان آمدند و واقعاً این چند سال اخیر یکی از نقاط تاریخی و یکی از بارزترین و روشن‌ترین نقاط قدرت شیعه است که مرجعیت به میدان می‌آید، فتوا می‌دهد و مردم تمکین می‌کنند و می‌پذیرند و می‌روند. چقدر این حشد الشعبی شهید داده؟ خیلی شهید داده! من گفتم این فتوا هم بر این اساس قابل توجیه است. مدافعین حرم که از ایران به آنجا می‌روند بر این اساس قابل توجیه روشن فقهی است. حالا ان شاء الله بعداً این نوشته را تکمیل و منتشر می‌کنیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج44، ص: 330.

[2] الكافي (ط - الإسلامية)، ج5، ص: 60 و 61: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُوَجَّرْ عَلَيْهَا وَلَمْ يَرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا.

[3] بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج44، ص: 326.

[4] همان.

[5] حج، 39.

[6] توبه، 6.